

رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت! (شماره ۲۴۹)

۳۱/۰۳/۱۳۹۸ الی ۲۴/۰۳/۱۳۹۸

در دویست و چهل و نهمین شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز در قالب سری گزارشات «رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!»، بخشی از مهم‌ترین فعالیت‌های این رسانه صهیونیستی - آمریکایی در چهارمین هفته از خرداد ماه ۱۳۹۸ را به طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

رادیو دیروز گزارش می‌دهد؛

آخرین ماه از فصل بهار ۱۳۹۸ با چهارمین هفته از خرداد ماه به پایان راه رسید؛ هفته‌ای که بیش از گذشته، جمهوری اسلامی ایران در صدر اخبار رسانه‌های جهان حضور داشت و به جرئت می‌توان گفت هیچ رسانه خبری در جهان نبود که این هفته به ایران نپرداخته باشد که در این بین رسانه صهیونیستی - آمریکایی رادیو فردا بیش از همه در تلاش بود تا از رویدادهای پیش آمده در جهت اهداف خود و اربابانش بهره‌برداری کند.

در همین راستا رادیو دیروز با تنظیم و انتشار مجله‌ای هفتگی با عنوان «رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!» بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارش‌های این رسانه آمریکایی را به طور خلاصه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و واقعیت‌های تحریف یا پنهان شده را در اختیار مخاطبین خود قرار دهد.

بر این اساس، آن چه در ادامه مطالعه خواهید کرد، دویست و چهل و نهمین شماره از این مجله هفتگی رادیو دیروز است که به بررسی بخشی از فعالیت‌های رادیو فردا در طول چهارمین هفته از خرداد ماه سال ۱۳۹۸ (۲۴ الی ۳۱ خرداد ماه ۱۳۹۸) پرداخته است.

شما مخاطبین گرامی می‌توانید در دویست و چهل و نهمین شماره مجله هفتگی رادیو دیروز، بررسی موضوعاتی از قبیل ماجرای شکار پهپاد فوق پیشرفته آمریکایی در آسمان ایران، از انکار تا اعتراف، داستان تکراری انفجار نفتکش‌ها و رسوای بزرگ با نقش آفرینی منافقین، تشدید آوارگی در جهان، بدون توجه به دلایل آن و ... را می‌توانید مشاهده نمایید.

ماجرای یک شکار بزرگ!

قطعاً مهم‌ترین رویداد خبری در هفته پایانی فصل بهار ۱۳۹۸، سرنگونی پهپاد فوق پیشرفته آمریکایی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که هم از نظر نوع و ویژگی این اقدام و هم از نظر پیامدهای آن کاملاً ویژه و با اهمیت بود. همین اهمیت نیز باعث شد تا رسانه صهیونیستی - آمریکایی رادیو فردا به طور ویژه به آن ورود کرده و با گزارش‌هایی متعدد و مختلف، در مسیر دلخواه اربابانش گام بردارد تا شاید بتواند از اثرات این شکست بزرگ آمریکا در برابر اقتدار ایران اسلامی، بکاهد.

به همین منظور، بخش ابتدایی این شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز را به بررسی نوع واکنش‌های رادیو فردا به موضوع سرنگونی پهپاد آمریکایی در آسمان ایران و مسیر این واکنش‌ها اختصاص داده‌ایم که در ادامه مطالعه خواهید کرد:

مرحله اول: کتمان برای فرار از واقعیت

اولین مرحله واکنش‌های آمریکا و رادیو فردا به ماجرای سرنگونی پهپاد فوق پیشرفته جاسوسی ایالات متحده در آسمان ایران، «کتمان» این ماجرا بود؛ جایی که این رسانه صهیونیستی – آمریکایی با انتشار گزارشی به نقل از مقامات نظامی آمریکا، تلاش کرد تا به کل ماجرای حضور این پهپاد را کتمان کند.

رادیو فردا در گزارشی اینگونه نوشته است: «روابط عمومی سپاه پاسداران پنجشنبه ۳۰ خرداد اعلام کرده است که یک فروند پهپاد آمریکایی پس از ورود به قلمرو هوایی ایران در منطقه کوه مبارک استان هرمزگان سرنگون کرده است. اما یک مقام نظامی وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون، گفته است، هیچ یک از پهپادهای این کشور در آسمان ایران نبوده‌اند.

در بیانیه سپاه پاسداران آمده است نخستین ساعات بامداد پنجشنبه یک فروند پهپاد تجسسی "آر کیو ۴ گلوبال هاوک" آمریکا بعد از ورود به حریم سرزمینی جمهوری اسلامی ایران در منطقه روبروی کوه مبارک استان هرمزگان، هدف آتش پدافند نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفت و سرنگون شد.

آسوشیتدپرس می‌گوید، کاپیتان بیل اوربن، سخنگوی ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا، سنتکام، حاضر به اظهار نظر در این مورد نشده است.

اما این سخنگوی نظامی آمریکا تصریح کرده است، هیچ پهپاد آمریکایی امروز بر فراز آسمان ایران نبوده است.

سنتکام روز یکشنبه تأیید کرد که ایران در روز پنجشنبه هفته گذشته یک موشک زمین به هوا به سوی یک پهپاد آمریکایی مدل امکیو ۹ شلیک کرد ولی این پرتاب ناموفق بوده است.»

اما جالب اینجاست که قطعات این هواپیما از آب‌های نزدیک به جزیره قشم خارج شده و تصاویر مستند آن در رسانه‌های مختلف پخش شده است تا دیگر راهی برای کتمان واقعیت وجود نداشته باشد.

البته بهتر است هم رادیو فردا و هم این گونه مقامات آمریکایی در واکنش‌هایش به این گونه موضوعات کمی تأمل بیشتر را در دستور کار قرار دهند تا در شرایطی که بیشتر یا همزمان با آن‌ها مقام ارشدشان به وقوع اتفاقی اذعان می‌کند، ندانسته آن را انکار نکنند و در گرداب رسوایی بیشتر فرو نروند.

وقتی این رسوایی بزرگتر و ویران‌کننده‌تر هم می‌شود که فرد انکار کننده، سخنگوی نظامی و ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا باشد؛ در این صورت دو حالت بیشتر وجود ندارد، یا این سخنگو در جایگاه درستی قرار نگرفته و توانایی انجام کارش را ندارد که از اصل ماجرا بی‌خبر است و به واکنش عجولانه دست می‌زند، یا فرماندهانش، از او به عنوان یک نیروی اضافی یاد می‌کنند که ماجرا را به او خبر نداده‌اند.

وقتی پای یکی از بزرگترین و گرانقیمت‌ترین پهپادهای جهان در میان باشد، آیا می‌توان با انکار از زیر فشار شکست خارج شد؟!

مرحله دوم: تحریف واقعیت برای فرار از پیامدها

پس از رسوایی کتمان ماجرا که در بالا مورد بررسی قرار دادیم، مقامات آمریکایی و رسانه تحت امرشان، در مرحله دوم واکنش‌هایشان، مسیر تحریف واقعیت را در پیش گرفتند و مدعی شدند که پهپاد سرنگون شده در آسمان ایران حضور نداشته و در حریم هوایی مجاز بین‌المللی مورد هدف قرار گرفته است.

این رسانه فارسی زبان وابسته به کاخ سفید در گزارش خود نوشته است: «ژنرال جوزف گاستلا، فرمانده نیروی هوایی ستاد فرماندهی مشترک آمریکا، عصر پنجشنبه در یک کنفرانس تلفنی با خبرنگاران در پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا، گفت پهپاد آمریکایی که دیشب با یک فروند موشک زمین به هوای ایران سرنگون شد، در ۳۴ کیلومتری دور از ساحل این کشور و در ارتفاع بالا در حال پرواز بود.

وی تاکید کرد ایران پهپاد آمریکایی را سرنگون کرد برای اینکه در کار ایالات متحده برای رصد خلیج فارس اختلال ایجاد کند.

گاستلا افزود: "این حمله خطرناک ایران اقدامی غیرمسئولانه بود که در مجاورت مسیر هوایی تعیین شده میان دومی در امارات متحده عربی و عمان رخ داد و می‌تواند زندگی غیرنظامیان بی‌گناه را به خطر بیاندازد".

این ژنرال آمریکایی در نهایت گفت: "سرنگونی این پهپاد پس از تهدیدهای اخیر علیه ناوبری تجاری بین‌المللی در منطقه صورت گرفت که مسئول آن هم ایران بوده است".

این موضوع نیز همانند آنچه در بالا مطرح شد، آنقدر آشکار هست که برای اثباتش زحمت زیادی را نباید متحمل شد؛ در پیش پا افتاده‌ترین شکل ماجرا، وقتی تکه‌های لاشه پهپاد آمریکایی از آب‌های ایران خارج می‌شود و برخی باز قسمت‌های باقیمانده آن هم توسط صیادان ایرانی در آب‌های جزیره قشم یافت می‌شود، آیا امکان دارد محل سقوط و اصابت موشک به آن جایی جز حریم ایران باشد؟!

بر اساس داده‌های دریافتی و محاسبات انجام شده توسط متخصصان سازمان نقشه برداری کشور، پهپاد آمریکایی در مختصات ۲۹ ۲۵ شمال عرض جغرافیایی و ۵۲ ۵۷ شرق طول جغرافیایی، در ۸ مایلی خط ساحلی جمهوری اسلامی ایران در سواحل هرمزگان حفاصل «کرتان» و «کوه مبارک» منهدم شده است.

لاشه این پرنده نیز در ناحیه رأس الشیر که متعلق به آب‌های ایران است سقوط کرده است.

در یکی از بیانیه‌های سپاه پاسداران در خصوص این موضوع قید شده است: «بر خلاف قوانین هوانوردی کلیه تجهیزات مربوط به معرفی خود را خاموش کرده و در نهایت پنهان‌کاری، از تنگه هرمز به سمت چابهار ادامه مسیر می‌دهد و نهایتاً درون فضای سرزمینی ایران هدف قرار گرفته و ساقط شده است.»

البته باید به این نکته نیز توجه داشت که از اولین روز سرنگونی این پهپاد تا به امروز، با وجود ادعاهای مختلف مطرح شده توسط آمریکا مبنی بر هدف قرار دادن این هواپیما در حریم بین‌المللی، هرگز حتی یک سند کوچک که این ادعا را ثابت کند ارائه نشده است.

مرحله سوم: توجیه واکنش عجیب با نگرانی ترامپ برای جان مردم ایران!!!

اما پس از دو مرحله کتمان و تحریف واقعیت در واکنش مقامات آمریکایی به سرنگونی بهترین پهپاد جاسوسی ایالات متحده در آسمان ایران، مرحله سومی که کاخ سفید به همراه رسانه تحت امرشان در دستور کار قرار داد، طرح ادعای عملیات حمله به ایران توسط جنگنده‌های آمریکایی و توقف این عملیات به دلیل دلسوزی ترامپ برای مردم ایران بود.

راديو فردا در اين رابطه نيز با انتشار گزارشي نوشته است: «دونالد ترامپ، رئيس جمهوري آمريكا، گفته است، در واكنش به سرنگون شدن پهپاد آمريكايي، وي دستور حمله به سه موضع مختلف در ايران را صادر كرد، اما وقتي شنيد كه در اين حملات ۱۵۰ نفر كشته مي‌شوند، اين حمله را متوقف كرد.»

آقاي ترامپ روز جمعه ۳۱ خرداد در چند پيام توئيتري، با اشاره به اينكه نيروهاي ايراني "يك پهپاد بي‌سرنشين را كه در آب‌هاي بين‌المللي پرواز مي‌كرد سرنگون كردند" نوشت: "شب گذشته براي حمله متقابل به سه موضع مختلف، دستمان روي ماشه بود اما وقتي پرسيدم چند نفر جان مي‌بازند يك ژنرال پاسخ داد ۱۵۰ نفر".

رئيس جمهوري آمريكا با ذكر اينكه "۱۰ دقيقه پيش از حمله، آن را متوقف كردم. غيرمتناسب با سرنگون شدن يك پهپاد بي سرنشين بود" توضيح داده است: "عجله‌اي ندارم؛ ارتش ما حاضر و آماده با فاصله زيادي در جهان بهترين است".

روزنامه نيويوركر تايمز روز پنجشنبه به نقل از مقام‌هاي آمريكايي گزارش داده بود كه دونالد ترامپ در واكنش به سرنگوني پهپاد آمريكايي، ابتدا دستور "حمله محدود" به ايران را صادر کرده اما در مراحل اوليه عمليات، دستور توقف آن را داده است.

نيويوركر تايمز همچنين نوشته بود كه اين حملات محدود قرار بود بامداد جمعه انجام شود.»

آيا اين گونه دلواپسي براي جان مردم ايران براي شخصي مانند ترامپ، بيش از حد سنگين نيست؟!

آيا رئيس جمهور آمريكا تا به حال از خود پرسیده است كه تحريم‌هاي ظالمانه اعمال شده عليه ايران كه حتى در عمل و بر خلاف ادعاهایشان، دارو و تجهيزات درماني را هم شامل مي‌شود، جان چند نفر در كشور را در طول اين سال‌ها به خطر انداخته است؟!

البته نبايد فراموش كنيم كه همين آمريكا، پيش‌تر هواپيمايي مسافربري با بيش از ۲۹۰ سرنشين را در آسمان خليج فارس هدف موشك‌هاي خود قرار داده و با افتخار از عامل اين جنايت به عنوان قهرمان جنگ تقدير کرده است و اين پهپاد نيز دقيقاً در همان نقطه ساقط شده است.

در كنار اين، بهترين پاسخ به ادعای انسان‌دوستانه ترامپ، بيانيه همراه با سند سپاه ميني بر پرواز همزمان هواپيمايي ديگر با ۳۵ سرنشين در فراز آسمان ايران است كه مي‌توانست بجای پهپاد مذکور هدف قرار گيرد اما بدليل داشتن سرنشين، حتى با وجود اينكه هدفشان جاسوسي بوده و سرنشينايش همه نظامي بوده‌اند، از هدف قرار دادن آن منصرف شده و پهپاد بدون سرنشين هدف قرار گرفته است.

البته اين گونه اظهارات و واكنش‌ها براي پذيرش شكستي سنگين كاملاً قابل قبول است؛ اولريكه فرانك، دكترای روابط بين‌الملل از دانشگاه آكسفورد و متخصص كاربردهای نظامي پهپادها در خصوص اهميت اين ماجرا در مصاحبه‌اي كه خود راديو فردا نيز آن را پوشش داده بود، مي‌گويد: «اين اولين پهپادي نيست كه ارتش آمريكا از دست داده است. پيش‌تر هم يكبار همين مدل از پهپاد دچار تصادف شده بود، اما پيشتر مورد هجوم قرار نگرفته بود. مطمئناً از دست دادن چنين سيستمي دردناك است، چون اولاً يك سيستم بزرگ و گران است. صحبت از دست دادن ميليون‌ها دلار است. البته كه موضوع از دست دادن كمی پرستيژ و وجهه نيز به ميان مي‌آيد، خصوصاً وقتي چنين سيستمي در پی حمله سقوط كند. هيچ سيستمي در برابر حملات مصون نيست، اما با توجه به اينكه اين پهپاد بسيار بالاتر از حد معمول پهپادها پرواز مي‌كند، تصور اين بود كه هدف قرار نخواهد گرفت.»

واقعيّت انفجار نفتكش‌ها: از ادعاهای عربستاني تا اعتراف اروپايي

پس از موضوع سرنگوني پهپاد جاسوسي آمريكايي در آسمان ايران، موضوع مهم ديگر كه در شماره‌هاي پيشين اين مجله هفتگي نيز مورد بررسي قرار داده بوديم، بحث انفجار نفتكش‌ها در آب‌هاي عمان و اتهام‌زني به جمهوري اسلامي براي دست داشتن در

این انفجار هاست؛ موضوعی که رادیو فردا در این هفته نیز بارها به آن پرداخت و به همین دلیل نیز بخش بعدی مجله این هفته را نیز به بررسی آن اختصاص داده‌ایم:

ادعاهای مشترک آل سعود و کاخ سفید علیه ایران

یکی از پر تکرارترین گزارش‌های رادیو فردا در رابطه با انفجار نفتکش‌ها، گزارش‌هایی بود که به بازتاب ادعاهای ضد ایرانی مقامات مختلف عربستانی و آمریکایی می‌پرداخت و از نقش جمهوری اسلامی در این ماجرا می‌گفت.

این رسانه صهیونیستی - آمریکایی در یکی از این گزارش‌ها، سخنان ولیعهد عربستان را ملاک قرار داده و نوشته است: «ولیعهد عربستان با متهم کردن ایران به انجام حملات اخیر به نفتکش‌ها در دریای عمان، می‌گوید کشورش آماده‌است با "هر تهدیدی" مقابله کند. تهران اتهام حمله به نفتکش‌ها را رد کرده‌است. محمد بن سلمان، در مصاحبه‌ای که ۲۵ خرداد ماه در "الشرق الاوسط" منتشر شده، گفته "حکومت ایران به نخست‌وزیر ژاپن که در حال دیدار از تهران بود بی‌احترامی کرد، در حالی که [شینزو آبه] آن‌جا بود در پاسخ به تلاش‌های او (برای کاستن از تنش‌ها) به دو نفتکش حمله کردند که یکی از آن‌ها ژاپنی بود."»

گزارش مشابه دیگری که رادیو فردا در این مسیر منتشر کرده به اظهارات عادل الجبیر اختصاص داشت که به نقل از او نیز می‌نویسد: «وزیر مشاور در امور خارجه عربستان می‌گوید که جامعه بین‌المللی مصمم به مقابله با رفتار تهاجمی ایران است. عادل الجبیر روز پنجشنبه ۳۰ خرداد با تاکید بر اینکه عربستان به دنبال جنگ با ایران نیست، گفته که پادشاهی این کشور درباره نحوه مقابله با ایران با متحدان خود در حال مشورت است. عادل الجبیر در گفت‌وگو با خبرنگاران در لندن همچنین ایران را متهم به اخلاف در حمل و نقل بین‌المللی نفت کرد و گفت این موضوع بر قیمت نفت و اقتصاد جهانی و زندگی مردم در جهان مؤثر است.»

این رسانه فارسی زبان وابسته به کاخ سفید به نقل اتهامات ضد ایرانی از زبان مقامات عربستانی هم اکتفا نکرده و برای تکمیل پرونده به سراغ اظهارات مقامات آمریکایی می‌رود.

رادیو فردا در گزارشی با این هدف می‌نویسد: «یک فرمانده نیروی دریایی آمریکا گفت که حمله هفته پیش به نفتکش ژاپنی در دریای عمان با استفاده از نوعی مین چسبان بوده که مشابه با مین‌های ایرانی است. شان کیدو از فرماندهان ناوگان پنجم ایالات متحده در بحرین این مطلب را روز چهارشنبه ۲۹ خرداد در یک نشست خبری در بندر فجیره واقع در شرق امارات بیان کرد. وی درباره نوع این مین‌ها گفت: "مین چسبانی که در این حمله استفاده شده، قابل تشخیص است و شباهت آشکاری دارد با مین‌های ایرانی که پیش از این در انظار عمومی در رژه‌های نظامی ایران نمایش داده شده است."»

این پافشاری رادیو فردا و مقامات آمریکایی و عربستانی برای اثبات اتهاماتشان علیه ایران به قدری بیش از اندازه است که خود آن شک ایجاد می‌کند؛ اصرار بدون ارائه سند و مدرک قابل قبول و پافشاری به موضوعی که حتی یک سند برای اثباتش وجود ندارد، کاملاً معنادار است و بیشتر به فراری رو به جلو شبیه است تا واقعیت از دید عموم دور بماند.

نقش داشتن ایران در انفجار یک نفتکش ژاپنی آن هم در شرایطی که نخست وزیر این کشور پس از چند دهه، به ایران سفر کرده و میهمان مسئولان ارشد از جمله رهبری معظم انقلاب است، منطقی به نظر می‌رسد؟!

آیا پیامدهای این انفجار، منفعتی برای ایران دارد؟! یا برعکس این آمریکا، عربستان و متحدانشان هستند که می‌توانند با موج‌سواری بر روی این پیامدها، اهداف خود را دنبال کنند؟!

تردیدهای جهانی در برابر پافشاری بر دروغ!

اما در خصوص پرونده انفجار چند نفتکش، نکته جالب توجه این است که بسیاری از کشورهای جهان و نهادهای بین‌المللی نتوانسته‌اند ادعاهای مطرح شده مبنی بر نقش ایران در این ماجرا را بپذیرند.

یکی از گروه‌هایی که با تردید به این موضوع نگاه می‌کنند، کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستند که جدای از موارد خاص و برخی کشورهای مشخص، اکثرشان رسماً اعلام کرده‌اند که با وجود عدم سند و دلیل مشخص، نمی‌توانند اتهام وارده به ایران را بپذیرند.

رادیو فردا که در مسیر دشمنی خود با ایران نمی‌خواهد جلوه بی‌طرفانه ظاهری خود را خراب کند، میان تعداد بالای گزارش‌هایی که ایران را متهم ردیف اول ماجرا نشان می‌داد، در یک گزارش کوتاه به تردیدهای موجود در خصوص واقعیت، اذعان نموده و نوشته است: «کشورهای عضو اتحادیه اروپا روز دوشنبه گفتند که در مورد عامل حملات اخیر به نفتکش‌ها در دریای عمان هنوز نیاز به اطلاعات بیشتر دارند. این کشورها خواستار احتیاط در خصوص اتهام‌زنی در این مورد شدند. این در حالی است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، گفته است که "تمام قرائن موجود" به دست داشتن ایران در این حملات اشاره دارند و بریتانیا نیز به این نتیجه رسیده که از دست داشتن ایران در این حملات "تقریباً مطمئن" است. اما آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، خواستار تحقیقات مستقل در این ارتباط شده و وزیران خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز که روز دوشنبه برای گفت‌وگو در لوکزامبورگ گرد هم آمده‌اند از همین درخواست پشتیبانی کردند.»

جالب اینجاست که این موضوع حتی در خود آمریکا هم با تردید همراه است؛ "فرانسوا هسبورگ" تحلیلگر فرانسوی مسائل دفاعی مقیم آمریکا، به نیویورکتایمز گفت: "در اروپا ظن زیادی درباره انگیزه‌های آمریکا وجود دارد."

شبکه خبری "سی‌ان‌ان" رسانه دیگری است که در این رابطه گزارش داد: "هرچند متحدان اروپایی آمریکا موافق با ارزیابی این کشور هستند اما آنها آنطوری که واشنگتن می‌گوید، ایران را مقصر ماجرای اخیر نفتکش‌ها نمی‌دانند."

خبرگزاری رویترز نیز که یکی دیگر از رسانه‌های مطرح خبری در سطح جهان است در این رابطه گزارش داده است: "غالباً رمزگشایی از چنین تصاویری دشوار است و انتشار آن نشان می‌دهد آمریکا تلاش می‌کند جامعه بین‌المللی را قانع کند ایران مسئول این حملات بوده است."

جالب اینجاست که حتی خود مالک ژاپنی یکی از این نفتکش‌ها هم در واکنش به این ماجرا نقش داشتن ایران در آن را غیر قابل اثبات دانسته است.

افشای واقعیت با رسوایی مشترک آمریکا و عربستان

در بالا دیدیم که چطور رادیو فردا و مقامات مختلف آمریکا و عربستان در تلاش هستند تا به هر شکلی دست داشتن ایران در ماجرای انفجار نفتکش‌ها را به جهانیان ثابت کنند، اما همه می‌دانیم که این واقعیت نیست و برعکس، حقیقت از همکاری و نقش آفرینی ایالات متحده و آل سعود در این ماجرا حکایت دارد که پیامدهایش نیز به سود آنهاست؛ به عبارتی دیگر تنها آمریکا و عربستان هستند که از این انفجار و پیامدهایش منفعت می‌برند و با اتهام‌زنی به جمهوری اسلامی از رسوایی خود فرار می‌کنند.

اما در این هفته افشای یک تماس تلفنی، این واقعیت را به جهانیان نشان داد و به عبارتی پایانی برای این ماجرا بود که با رسوایی کاخ سفید و دربار آل سعود همراه شد.

"العالم"، یکی از خبرگزاری‌هایی بود که با افشای این مکالمه تلفنی، نقش عربستان و سازمان تروریستی مجاهدین خلق (منافقین) را که زیر سایه حمایتی آمریکا فعالیت می‌کنند، در این ماجرا برملا نمود.

العالم در گزارش توضیحی خود برای این مکالمه می‌نویسد: "مکالمه تلفنی بین اعضای گروهک تروریستی منافقین نشان می‌دهد که گروهک تروریستی منافقین و عربستان سعودی در زمینه موضوع انفجار نفتکش‌ها در فجیره همکاری می‌کنند.

در این مکالمه تلفنی شهرام فاخته، عضو رسمی و مسئول یگان سایبری گروهک تروریستی با حسین داعی الاسلام، عضو دیگر این گروهک که ساکن آمریکاست گفتگو می‌کند.

در این مکالمه فاخته در سوالی که می‌پرسد به تماس عربستان سعودی با دفتر مریم رجوی، سرکرده این گروهک اشاره می‌کند و در خصوص نحوه هماهنگی بین منافقین و عربستان در فضا سازی علیه ایران در پی حمله به نفتکش‌ها در منطقه نظر داعی الاسلام را جویا می‌شود. فاخته سؤال خود را اینگونه می‌پرسد: «تمام تلاش هفته گذشته ما انتصاب انفجارها به رژیم (ایران) بوده، سعودی‌ها در تماس با دفتر خواهر مریم پیگیر نتایج هستند و در جمع‌بندی اقدامات و عواقب احتمالی به چه محورهایی اشاره کنیم؟»

داعی الاسلام در پاسخ به سؤال می‌گوید: «فکر می‌کنم عواقب مختلفی می‌تواند داشته باشد. رفتن این پرونده به شورای امنیت تا دخالت نظامی و هر عاقبتی می‌تواند داشته باشد.»

تشدید آوارگی جهانی زیر سایه سیاست غربی - عربی

موضوع پایانی این شماره از مجله هفتگی را به خبری اختصاص داده‌ایم که شاید در ظاهر موضوعی چندان چالش برانگیز و پیچیده نباشد اما وقتی بیشتر به آن توجه شود، درک خواهیم کرد که سال‌ها جنایت را در خود جای داده است.

رادیو فردا در گزارشی از افزایش قابل توجه تعداد پناهندگان جهان طی سال‌های اخیر خبر داده است اما نه این رسانه و نه نهادی که آمار را منتشر کرده به دلایل اصلی این موضوع اشاره نکرده‌اند.

این رسانه صهیونیستی - آمریکایی در گزارش خود نوشته است: «کمیسر عالی پناهندگان سازمان ملل در تازه‌ترین گزارش خود از جابه‌جایی اجباری و آواره شدن ۷۰ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر تا سال ۲۰۱۸ در پی وقوع جنگ، آزار و اذیت و همچنین مناقشات خبر داده و می‌گوید این رقم بالاترین میزان طی ۷۰ سال گذشته است. بر اساس این گزارش که روز چهارشنبه، ۲۹ خردادماه، در وبسایت این نهاد بین‌المللی منتشر شد، در مقام مقایسه، شمار آوارگان ۲۰ سال پیش نصف این رقم بود. این گزارش می‌افزاید پارسال ۱۳۰ هزار نفر به ایران پناهنده شده‌اند: "در کل بیش از ۹۷۹ هزار پناهنده در ایران است که ۹۵۱ هزار نفر آن افغانستانی هستند."»

جالب اینجاست که به اذعان این مقام عالی سازمان ملل که خود رادیو فردا نیز در گزارشی به آن اشاره داشته، بیشترین آوارگان جهان از کشورهای سوریه، افغانستان، سودان جنوبی، میانمار و سومالی هستند که تمامی این کشورها یا به نوعی درگیر جنگ هستند و یا درگیری‌های داخلی قومی و مذهبی گریبانشان را گرفته است و نقطه مشترک میان این کشورها این بوده است که همگی یا درگیر جنگ داخلی هستند، یا با بحران مناقشات قومی و مذهبی مواجهند.

شمار سالانه آوارگان جهان در سال ۲۰۰۹ میلادی به طور تقریبی ۴۳ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر بود که آمارها نشان می‌دهد این وضعیت به طور مرتب در حال وخیم‌تر شدن است و بیشترین افزایش را در بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ میلادی شاهد بوده‌ایم که بدون شک دلیل اصلی آن شدت بالای درگیری و جنگ در سوریه بوده است.

و نکته قابل توجه دیگر این است که در تمامی این ماجراها که نتیجه‌اش آوارگی مردم بوده، ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی و متحدانشان حضوری پررنگ ایفا می‌کنند و به صورت‌هایی مستقیم یا غیرمستقیم در این ماجرا مؤثر بوده‌اند که هم سازمان ملل و هم رادیو فردا از بیان این واقعیت سرباز می‌زنند.

از تجاوز آمریکا به افغانستان و سوریه و عراق گرفته تا تجاوز عربستان و متحدانش به یمن، اشغالگری اسرائیلی در فلسطین، جنایات گروه‌های تروریستی وابسته به کاخ سفید و آل سعود و ... همگی دلایلی در پشت این افزایش تعداد آوارگان هستند که اگر به آن‌ها پرداخته نشود و مورد توجه قرار نگیرند، قطعاً سال به سال نیز بر تعدادشان افزوده خواهد شد.

آنچه در بالا خوانده‌اید، دویست و چهل و نهمین شماره از مجله هفتگی رادیو دیروز است که همانند هفته‌های پیشین با عنوان "رادیو فردا در هفته‌ای که گذشت!" منتشر گردیده و در این شماره به بررسی خلاصه وار بخشی از مهم‌ترین برنامه‌ها و گزارشات این رسانه صهیونیستی - آمریکایی در چهارمین هفته از خرداد ماه ۱۳۹۸ (۲۴ الی ۳۱ خرداد ماه ۱۳۹۸) پرداخته است.